



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۷/۱۸



رفعت حسینی

گمان هایی در پیرامون کمال الدین بهزاد

هنوز کودک بودم که نام بهزاد را شنیدم. خانه پدری من در باغوناب کابل درست در برابر سینمای مشهور بهزاد موقعیت داشت.

در زمان آموزش به نام کمال الدین بهزاد دلچسپی بی پایان پیدا نمودم مگر هر قدر در پیرامون زندگی و کارهای هنری و مینیاتوری و نقاشی وی بیشتر جستجو، آنچه را از هنرو میناتور، بدرستی و راستی دارا بود، کم پیدا بود و حتا هیچ نیافتم. سیدایشان حسینی، سیدداود حسینی، داکتر احمد جاوید، صالح پرونتا، سلطان احمد کوچه نیز نتوانستند یاری بمن برسانند. همه چیز درباره بهزاد در «ابهام» بود و تاهنوز هم صراحت ندارد و تنها خیالپردازی نامستند است!!!

همانند آدمهایی دیگر، در هنرو سیاست و دولت و دین و ادبیات و شعر، ساخته شده و پرداخته شده دیگران، می باشد. بیشترینه بهزاد [بزرگ!] [را] ، همانند لقب های بسیار فراوان دیگر، [استاد و علامه و خداوندگار نقاشی و علامه در مینیاتور و نایغه دنیا] می گفتند و تاهنوز پف می کنند.

در انترنت نیز چیز بیش بهایی نمیشود پیدانمود. مگر لینک هایی را می توان کشود و نبشته هایی چتبات را، بی پی آمدی، می شود خواند.

و هیچ دستاوردی نداشت.

و اقعیتی از زندگی وی و هنری که « تصور! » می نمایند داشت! ، بهیچ وجهی، در دسترس نمی باشد!

در انترنت درباره بهزاد در ویکی پیدیایمی یابید:

«کمال الدین بهزاد هروی حدود ۸۶۰ هجری قمری/ ۱۴۵۵ میلادی در هرات - ۹۴۲ هجری قمری/ ۱۵۳۵ میلادی در تبریز

• نامدار به استاد کمال الدین بهزاد، استاد بهزاد و استاد نقاش، نقاش ایرانی سده های نهم و دهم هجری بود. وی در برابر پادشاهان تیموری و صفوی صاحب منصب بود و بابت نوآفرینی در نقاشی ایرانی شناخته شده است.

سال تولد بهزاد را در فاصله ۸۵۵ تا ۸۶۵ ه.ق تخمین زده اند. بهزاد در آغاز به عنوان شاگرد و زیر دست روح الله میرک نقی زاده مشغول به کار بود. او به سرعت معروف شد و با حمایت های علی شیر نوایی، فرصت های هنری بزرگی را به دست آورد چنانکه به خدمت سلطان حسین بایقرا، از سلاطین سلسله تیموریان درآمد. شرح زندگی بهزاد پس از مرگ سلطان حسین بایقرا به درستی معلوم نیست. آنچه از شواهد بر می آید آن است که بعد از برافتادن تیموریان، بهزاد همچنان در هرات باقی ماند و به نوشته بایر تحت حمایت محمد شیبانی قرار گرفت. احتمالاً بهزاد یازده سال پس از مرگ محمد شیبانی نیز در هرات زندگی کرده است. تاریخ و شرایط حرکت بهزاد به تبریز نامعلوم است. بهزاد در تبریز همچنان از حمایت سلطنتی برخوردار بود و به عنوان مدیر کتابخانه سلطنتی منصوب شد. او این مقام را تا زمان مرگش حفظ کرد. فعالیت های بهزاد در تبریز و دربار صفوی بسیار کم بود. بهزاد به سال ۹۴۲ ه.ق در خدمت شاه طهماسب درگذشت و در تبریز در کنار کمال خجندی به خاک سپرده شد.

شرح زندگی بهزاد پس از مرگ سلطان حسین بایقرا به درستی معلوم نیست. آنچه از شواهد بر می آید آن است که بعد از برافتادن تیموریان، بهزاد همچنان در هرات باقی ماند و به نوشته بایر تحت حمایت محمد شیبانی قرار گرفت. احتمالاً بهزاد یازده سال پس از مرگ محمد شیبانی نیز در هرات زندگی کرده است. تاریخ و شرایط حرکت بهزاد به تبریز نامعلوم است. بهزاد در تبریز همچنان از حمایت سلطنتی برخوردار بود و به عنوان مدیر کتابخانه سلطنتی منصوب شد. او این مقام را تا زمان مرگش حفظ کرد. فعالیت های بهزاد در تبریز و دربار صفوی بسیار کم بود. بهزاد به سال ۹۴۲ ه.ق در خدمت شاه طهماسب درگذشت و در تبریز در کنار کمال خجندی به خاک سپرده شد.

اعتبار بهزاد در درجه نخست، نتیجه آرمان گرایی او در آثارش، و سپس شخصیت فردی و همکاری مستمرش با حاکمان بزرگ روزگار خویش بود.

باین حال، برخی معتقدند که شخصیت بهزاد به بزرگی شهرتش نبوده و رابطه او با علی شیر و جامی سبب افزودن ناروای شهرت او شده است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

از سوی دیگر، بابر و حیدر میرزا جایگاه والای بهزاد در میان هم‌روزگاران را تأیید کرده‌اند. ویژگی‌های دقت در الگو، خوشنویسی و طراحی، میراث مهم سبک بهزاد است. توجه بهزاد به دنیای واقعی پیرامونش او را از نگارگران پیش از خود متمایز می‌کند. ترکیب‌بندی‌های بهزاد در روزگار خود او نیز از سوی دیگران تقلید شد. بهزاد در رنگ‌شناسی نگارگری ایرانی تحول ایجاد کرد. در آثار او رنگ و فرم جدایی‌پذیر نیستند. در کنار این‌ها، بهزاد پیام معنوی داستان‌ها را در اثر توصیف رویدادهای عادی از بین نمی‌برد و در تلفیق این دو می‌کوشد. نگرش انسان‌گرایانه او با چگونگی بهره‌گیری از رنگ، خط و ساختار آثارش در هماهنگی کامل هستند، انسان‌گرایی‌ای که در تاریخ نقاشی ایران سابقه ندارد. او افزون بر تربیت شاگردان برجسته، با دید و سبک خویش بر دربار صفوی در تبریز اثری شگرف گذاشت. با وجود نوآوری‌های بهزاد در فرم، او نهایتاً هیچ‌گاه از جریان اصیل و سنتی نقاشی ایران خارج نشد، بلکه دید درستی را که میراثی یگانه بود نگاه داشت که همان قرارگیری رنگ‌های تخت در کنار یکدیگر است به شکلی بسیار پیشرفته‌تر از آنچه در میناکاری ایرانی و ویترای در غرب انجام شده بود.

در هیچ‌یک از آثار منتسب به بهزاد امضایی مطمئن از او وجود ندارد. از این رو تشخیص و تمییز دیگر آثار واقعی بهزاد با توجه به سبک اثر انجام می‌شود. از میان آثار بسیاری که به بهزاد نسبت داده‌اند، به‌طور عموم کارشناسان تنها سی و دو نگاره اثر واقعی بهزاد هستند که البته تنها نشان‌دهنده ده سال از دوران طولانی فعالیت هنری بهزاد است. در طول سده دهم هجری، مجموعه‌داران مشتاق بودند که نقاشی‌های بهزاد را در مرقع‌ها یا مجموعه‌های خود قرار دهند.

» درجایی دیگر در انترنت چنین پُف کرده کرده اند:

«کمال‌الدین بهزاد مشهورترین نگارگر ایرانی است. مردی که آوازه‌ی هنرش از مرزهای ایران فراتر رفت و حتی بسیاری از هنرمندان هندی و عثمانی هم‌ی عمر در حسرت دیدن برگی از نگارگری‌های او بودند. بهزاد با تحولی که در نگارگری مکتب هرات در دوران زندگی خود ایجاد کرد، توانست به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم باعث خلق آثار ارزشمندی شود که امروز جزو گران‌ترین و ارزشمندترین آثار نگارگری به‌شمار می‌روند. او مشهورترین نگارگر مکتب هرات بود. مکتبی که پس از ظهور، به اصلی‌ترین شیوه‌ی نگارگری در ایران تبدیل شد. هرات در طول ۳۸ سال سلطنت سلطان حسین بایقرا به‌دلیل علاقه‌ی این پادشاه به شعر، هنر و موسیقی به مرکز فعالیت هنرمندان تبدیل شد و آن‌ها توانستند در این مدت بهترین آثارشان را خلق کنند.

موزه‌های دنیا امروز به داشتن برگ‌هایی از هنرمندان مکتب هرات در گنجینه‌هایشان افتخار می‌کنند. برگ‌هایی که در هر حراجی که باشند به‌عنوان گران‌ترین اثر به فروش می‌رسند و مجموعه‌دارها برای داشتن‌شان سر و دست می‌شکنند. بخش بزرگی از نگارگری ایران مدیون بهزاد و شاگردانی است که او تربیت کرد. شاهنامه شاه‌تیماسب که شاهکار گران‌قیمت و معروف نگارگری ایران است، توسط شاگردان بهزاد و در مدت چند سال خلق شد.»

ویاوه‌های دیگر و خیال‌پردازی‌های دیگر:

«هنرمندان ایرانی در طی دوره‌های متمادی، با استعداد عظیم و ذوق مذهب و پالوده خود هنرهای آفریده‌اند که در آن واحد هم حسی و هم معنوی است. هنرهایی که مبتنی بر معرفتی است که خود سرشت روحانی دارد. هنرمند با تخیل ابداعی، هر نقش و نگاری که می‌نگارد، همه در حسن و جمال و جلال الهی است که در عالم صورت تجلی یافته و نسبتی حضوری با حق و حقیقت می‌یابد و به عبارتی، نسبت میان خویش و عالم و آدم و مبدا عالم و آدم را متمثل می‌نماید.

اینگونه است که هنرمند از صورت خیالی، تعالی می‌یابد و می‌تواند کنده شود و به ساحت متعالی عالم قدس قدم بگذارد. تصاویر موجود در نسخ خطی ایران یکی از بارزترین تجلیات ذوق و هنر و فرهنگ ایران است، اهمیت این نسخ خطی و تصاویر آن چیزی از سایر هنرهای ایرانی کم ندارد؛ نگاره‌هایی که اکنون در تمام موزه‌های دنیا و مجموعه‌های خصوصی چون در گران‌بهایی نگهداری می‌شود. نگاره‌های ایرانی به اذعان همه هنرشناسان و پژوهشگران، دارای ظرافت‌ها و ویژگی‌های پیچیده‌ای است که شناخت و تحقیق درباره آنها نیاز روزگار ماست، نگاره‌هایی که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته و با نام "مینیاتور" معرفی شده است.

در طی سده‌های متمادی، نگارگران ابداعاتی را در این هنر به وجود آوردند که امروزه به عنوانی چون "مکتب هرات"، "مکتب تبریز" و یا "مکتب اصفهان" مورد شناسایی قرار می‌گیرد و هر یک از آنان نیز شیوه‌هایی را در این مکاتب ابداع نمودند که در برخی از آنها شاهد تحولی اساسی در مکاتب نگارگری هستیم.

شاید مشهورترین نگارگر ایرانی که بسیاری از باورهای گذشته را متحول کرد و تأثیر زیادی بر دیگر هنرمندان داشت و واسطه‌ای در انتقال هنر نگارگران هرات به نگارگری و تصویرگری دوره صفویه شد، کمال‌الدین بهزاد است. کمال‌الدین بهزاد، جزو معدود هنرمندانی است که در زمان حیات خود به شهرت و محبوبیت دست یافت و باعث گردید که بسیاری از نگارگران به تقلید از آثار او بپردازند و یا نامش را در اثر خود به جا بگذارند. وی یکی از نادر نگارگران ایرانی است که در تعدادی از آثار خود نام خویش را به رقم زده است، کاری که پیش از آن به جز در مواردی خاص انجام نمی‌شد.

درباره تاریخ تولد بهزاد نقل قول های بسیاری شده است. گروهی آن را در سال ۸۵۴ هجری قمری و برخی نیز به سال ۸۷۰ هـ. ق ذکر می کنند که در یکی از شهرهای خراسان احتمالاً هرات به دنیا آمد. اما آنچه همه در آن اتفاق نظر دارند این است که وی در کودکی یتیم شده و نزد "میرک نقاش" پرورش یافت . سرگذشت زندگی بهزاد با وجود تمام شهرت و محبوبیتی که به ظاهر داشت، در هاله‌ای از ابهام است، اما آنچه مسلم است بسیاری از هم عصران وی، او را ستوده‌اند .

مانی قلم خجسته آثار
نیکو شیم حمیده اطوار
استاد هنروران عالم
در فن هنروری مسلم
بهزاد یگانهء زمانه
مانی به زبان او فسانه

شیوه بکار بردن رنگهای گوناگون و درخشان تصویرها از حساسیت عمیق بهزاد نسبت به رنگها حکایت می‌کند. از این تصویرها چنین بر می آید که بهزاد بیشتر به رنگهای به اصطلاح "سرد" (مایه‌های گوناگون سبز و آبی) تمایل داشته، اما در همه جا با قرار دادن رنگ های "گرم" (بخصوص نارنجی تند) ، به آنها تعادل بخشیده است. استاد او به قولی امیرروح الله معروف به میرک نقاش هراتی کتابدار سلطان حسین بایقرا، و به قول دیگر پیر سید احمد تبریزی بود و افراد دیگری را نیز نام برده‌اند.